

# بررسی تلمیحات دینی - اسلامی شمس‌الدین کاشانی در منظومه شهنامه چنگیزی

سید محسن جمالی زاده<sup>۱</sup>

دکتر خورشید قنبری نینز<sup>۲\*</sup>

دکتر مجید حاجی زاده<sup>۳</sup>

## چکیده

تلمیح یکی از صنایع ادبی میباشد که شاعران از دیرباز به جهت جذابیت و سندیت بخشیدن به اثر خود از آن استفاده می‌کرده‌اند. تلمیح به معنی اشاره به داستان، آیات، روایات و... در شعر است. فرد خواننده در صورتی می‌تواند به درک این تلمیحات برسد که از این داستان‌ها، آیات، روایات و... آگاهی داشته باشد. در غیر این صورت در نظر خواننده شعر بی معنی و فاقد مفهوم جلوه می‌کند. یکی از این شاعران، شمس‌الدین کاشانی منظومه سرای عصر مغول می‌باشد که به واسطه شرایط دینی حاکم بر آن دوران از تلمیحات اسلامی در اثر خود یعنی شهنامه چنگیزی بهره برده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تلمیحات دینی - اسلامی در اثر شمس‌الدین کاشانی است. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی است. بررسی‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شمس‌الدین کاشانی از تلمیحات دینی - اسلامی یعنی آیات، روایات و داستان‌ها به طور زیرکانه و متبحرانه در اثر خود سود جسته که این امر دال بر عقاید دینی - اسلامی شاعر است.

**واژگان کلیدی:** تلمیح، شمس‌الدین کاشانی، شهنامه چنگیزی.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

Email: m.uv1990@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: kh.ghanbari18@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

Email: m.hajizadeh@iauk.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

## مقدمه

تلمیح یکی از صناعات ادبی می‌باشد که شرط جذابیت آن آگاهی خواننده از آیات، روایات، داستان‌ها، مثل‌ها و... است. تلمیح یک شگرد ادبی است که خواننده را تبدیل به مسافر زمان می‌کند. سفری از زمان حال به گذشته‌های دور. «طرز تلقی شاعران از تلمیح از شرایط سیاسی و اجتماعی، با نبوغ و استعداد‌های فرهنگی آن پیوند تنگاتنگی دارد؛ و شاهکارهای منظوم و مثنوی ادب فارسی گواه راستینی بر این مدعاست.» (خاکپور، ۱۳۹۶: ۷۵)

«تلمیح در فرهنگ واژگان زبان عربی مصدر باب تفعیل از ریشه «لَمَحَ، يَلْمَحُ، لَمَحًا و لَمَحَانَةً» است. این واژه در زبان عربی به معنی نگاه کردن، اشاره کردن، درخشیدن، نظر و نگرستن کوتاه و شتابزده و... به کار رفته است.» (صباغی و حیدری، ۱۳۹۶: ۳) این لغت در زبان فارسی به معانی نمودن و آشکارکردن، نگاه سبک کردن به سوی چیزی، اشاره کردن به چیزی، نگاه و نظر، خیال و تصور آمده است. (دهخدا: ذیل واژه)

«تلمیح، اشاره به داستانی در کلام است و دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد؛ اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزای داستان، تناسب وجود دارد.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۲۱) «تلمیحات کلاً از دو مقوله است: تلمیحات اسلامی که مربوط به رجال فرهنگ اسلامی است (مثل سلیمان) و تلمیحات ایرانی که منشا آنها فرهنگ پیش از اسلام است.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۸) «تلمیح آن است که به مناسبت کلام به داستان یا مثل یا آیه یا حدیث یا شعری اشاره شود. لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مثل یا آیه یا شعر است.» (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۷۶) «تلمیح یعنی به گوشه چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» (همایی، ۱۳۶۵: ۳۲۸) همچنین می‌توان تلمیح را این گونه تعریف کرد: «آن است که در شعر اشاراتی ضمنی به گذشته‌های دور، اساطیر، داستان‌های معروف و زبانزد بشود. حرکت ذهنی از حال به گذشته‌های دور، نوعی لذت در خواننده پدید می‌آورد. مثل و آیه و حدیث نیز می‌توانند مشمول تلمیح گردند.» (فشارکی، ۱۳۷۴: ۱۵۵)

دوره حاکمیت مغول‌ها را می‌توان به دوره نامسلمانی و دوره مسلمانی تقسیم کرد. در دوره نامسلمانی مغول، بزرگان ایرانی برای مهار خشونت و رفتارهای خودسرانه فاتحان مغول تلاش‌های بسیار کردند. دیوان سالاران، فیلسوفان، شاعران، فقیهان و در رأس آنان کسانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عظاملک جوینی کوشیدند تا مغول‌ها را با فرهنگ ایرانی و آداب کشورداری آشنا کنند و زمینه مسلمان شدن این قوم غالب را فراهم آورند. آشنایی مغولان با فرهنگ، عقاید و دین ایرانیان، موجب گردید تا به آثار ادبی این مردمان علاقه‌مند شوند. در نتیجه، آنها به تقلید از آثار فاخر ایرانی همچون شاهنامه فردوسی مایل به ثبت و جاودان ماندن اسم و وقایع مغول بودند.

یکی از این آثار، شاهنامه منظوم چنگیزی اثر شمس‌الدین کاشانی است که به جرأت می‌توان گفت یکی از آثار دوره مغول است که سرشار از مضامین و تلمیحات دینی است. تلمیحاتی که شمس‌کاشی در اثر منظوم خود آورده‌است دارای تازگی و اصالت هستند، که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم. ذکر این نکته ضروریست که همان‌طور که در بالا ذکر شد، شرط اصلی درک این تلمیحات آگاهی خواننده از آیات، روایات، اشعار، مثل‌ها، داستان‌ها و... است. پس اگر خواننده‌ای آگاهی و اطلاعاتی از این مضامین نداشته باشد، نمی‌توان انتظار درک و فهم از داستان داشت. اکنون هدف پژوهش این است که تلمیحات دینی منظومه شهنامه چنگیزی را مورد بررسی قرار دهد.

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش روش تحلیلی - توصیفی و از طریق کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. در همین راستا ابتدا به اختصار منظومه شهنامه چنگیزی معرفی و سپس به بررسی ابیاتی که شاعر تلمیح را در آن به کار برده، پرداخته می‌شود. بعد از آن به تحلیل و بررسی تلمیحات این ابیات می‌پردازد. پژوهش‌های زیادی تاکنون به بررسی تلمیحات در منظومه‌ها و آثار دیگر پرداخته‌اند، اما تاکنون پژوهشی در این زمینه برای منظومه شهنامه چنگیزی انجام نشده است و پژوهش حاضر برای اولین بار به این امر پرداخته است.

## پرسش‌های پژوهش

- ۱- کاربرد تلمیحات دینی - اسلامی در اشعار شهنامه چنگیزی چگونه می‌باشد؟
- ۲- ابیاتی که تلمیح در آن به کار رفته مبین کدام تفکرات شاعر است؟

## شهنامه چنگیزی

شاعر شاهنامه چنگیزی، شمس‌الدین کاشانی است که ممدوح بهاء‌الدین پسر شمس‌الدین جوینی است. وی علت سرودن شهنامه چنگیزی را میل غازان خان برای جاودانگی نام ذکر می‌کند. نام منظومه شهنامه چنگیزی، نامی است که دیگران بر منظومه شمس کاشی نهاده‌اند، وگرنه خود شمس کاشی و حتی کاتبان نسخه‌ها در دوره‌های بعد آن را نامگذاری نکرده‌اند. وزن و بحر شهنامه چنگیزی، منظومه‌ای در وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» و بحر متقارب مثنی محذوف و مقصور است که حدوداً دارای ۹۷۳۶ بیت می‌باشد.

اکنون به شرح تلمیحات موجود در این اثر می‌پردازیم. لازم به ذکر است که در ارجاعات درون متنی از شماره ابیات در کتاب استفاده شده است.

## اعتقاد به معاد

چنین تا قیامت در این دودمان به وحشت نیفتد کسی را گمان

(شمس‌الدین کاشانی، ۱۳۹۸: ۴۰۶)

یکی از اصول مهم دین اسلام، اعتقاد به معاد است. معاد یعنی بازگشت به زندگی در روز قیامت که زمان رخ دادن آن مشخص نیست. اغلب برای بیان فاصله زمانی طولانی از واژه قیامت استفاده می‌کنند. در قرآن هفتاد و پنجمین سوره، قیامت نام دارد. بیت بالا اعتقاد به معاد و روز رستاخیز را نشان می‌دهد. یکی از ویژگی‌های روز قیامت به وحشت افتادن همگان است. این وحشت به حدی است که فرد در قیامت از همگان حتی از پدر و مادرش فرار می‌کند:

«يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ» (سوره عبس: آیات ۳۶-۳۴)

برگردان فارسی: آن روز که (از وحشت و هولناکی) هر کس از برادرش می‌گریزد. و بلکه از مادر و پدرش. و بلکه از مادر و پدرش.

### حامله شدن از نور

به حکم خدا آن‌چنان دلبری شد  
آبستن از نور بی شوهری  
(شمس‌الدین کاشانی: ۵۳۵)

حکایات مریم اگر بشنوی به  
آلان قوا همچنان بگروی  
وی از باد شد حامله این ز نور  
یکی بُد به ایران یکی بُد به تور  
(همان: ۳۹-۵۳۸)

ابیات بالا داستان آلان قوی را بیان میکند که برگرفته از داستان حضرت مریم (س) است که بدون وجود همسر، باردار شد:

«وَأَلْتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَفَخَّخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَأَبْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء: آیه ۹۱)  
برگردان فارسی: و به یاد آور زنی را که دامان خود را از آلودگی به بی عفتی پاک نگه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم.

### داستان نمرود

چو نمرود را آمد اندر خیال  
که او در بزرگی ندارد همال  
خدای جهان پشه‌ای بی درنگ  
ز غیرت فرستاد با او به جنگ  
که آن بی‌خرد را چنان خوار کرد  
که بر عاجزی خود اقرار کرد  
(شمس‌الدین کاشانی: ۶۵-۶۷۶۳)

ابیات بالا اشاره به داستان نمرود، پادشاه مغرور زمان حضرت ابراهیم (ع) دارد که ادعای بزرگی و خدایی داشت و سرانجام خداوند پشه‌ای را مأمور کرد تا از راه بینی وارد مغزش شود و همین پشه عامل مرگ وی شد:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (سوره بقره: آیه ۲۵۸)

برگردان فارسی: آیا ندیدی که پادشاه زمان ابراهیم (علیه السلام) به دلیل حکومتی که خدا به او داده بود درباره (یکتایی) خدا با ابراهیم به جدل برخاست؟ چون ابراهیم گفت: خدای من آن است که زنده گرداند و بمیراند، او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت که خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد، تو اگر توانی از مغرب بیرون آر؛ آن نادان کافر در جواب عاجز ماند؛ و خدا راهنمای ستمکاران نخواهد بود.

### مذمت کردن غرور

مگيرای برادر تو در سر غرور      که هست ايزد دادگر بس غيور

(شمس‌الدین کاشانی: ۶۷۶۶)

در این بیت غرور مورد مذمت قرار گرفته است. به نظر می‌آید که این بیت برگرفته از آیات قرآن است که در آن غرور و فرد متکبر مورد نکوهش قرار گرفته اند:

«يا ايها الناس... إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (سوره لقمان: آیه ۳۳)

برگردان فارسی: ای مردم!... وعده الهی حق است مبدا زندگی دنیا شما را بفریید و مغرور سازد و مبدا شیطان شما را فریب دهد!

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (سوره بقره: آیه ۳۴)

برگردان فارسی: و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید.

## به پا داشتن نماز

به رسم مسلمانی آن سرفراز  
درآمد به خلوت‌سرای نماز  
(شمس‌الدین کاشانی: ۸۴۱۰)

بیت بالا رسم و سنت مسلمانی را بیان می‌کند. نماز خواندن یکی از دستورات و اصول مهم دین اسلام است که در قرآن بارها به انجام آن تأکید شده است:

«... وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (سوره روم: آیه ۳۱)

برگردان فارسی: ... و نماز را بر پا دارید و از مشرکان نباشید.

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (سوره بقره: آیه ۴۳)

برگردان فارسی: و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با خدا پرستان حق را پرستش کنید.

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (سوره طه: آیه ۱۴)

برگردان فارسی: منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) پرست و نماز را مخصوصاً برای یاد من به یادار.

## عاقبت ناسپاسی کردن

شما ناسپاسان به کردار بد  
کشیدید خشم خدا سوی خود  
(شمس‌الدین کاشانی: ۲۷۸۵)

کفران نعمت و ناسپاسی کردن در برابر نعمت‌ها یکی از کارهایی است که می‌تواند خشم خداوند را در پی داشته باشد که بیت فوق به این موضوع اشاره کرده‌است. در قرآن داستان‌هایی بیان شده است که اقوامی بر اثر ناسپاسی کردن و کفران نعمت مورد عذاب الهی واقع شده‌اند. از نمونه این اقوام می‌توان به قوم سبأ اشاره نمود که بعد از آنکه خداوند به آنها نعمات بسیار داد، شروع به کفران نعمت کردند و خداوند نیز سرزمینشان را متلاشی کرد:

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جِئَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ، فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ، ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ» (سوره سبأ: آیات ۱۷-۱۵)

برگردان فارسی: یقیناً برای قوم سبأ در جای اقامتشان نشانه‌ای از قدرت و رحمت خدا وجود داشت، دو باغ از طرف راست و چپ. گفتیم: از رزق و روزی پروردگارتان بخورید، و برای او سپاس گزاری کنید، سرزمینی خوش و دلپذیر دارید، و پروردگاری بسیار آمرزنده، ولی آنان از سپاس گزاری در برابر نعمت، و از فرمان‌ها او و دعوت پیامبرشان روی گرداندند، در نتیجه سیل «عرم» را بر ضد آنان جاری کردیم که دو باغ آباد راست و چپ منطقه را نابود کرد، و ما آن دو باغ پر حاصلستان را به دو باغستانی تبدیل کردیم که دارای میوه‌هایی تلخ و درخت شوره‌گز و چیزی اندک از درخت سدر بودند! این سیل ویران گر را در برابر کفرشان به آنان کیفر دادیم. آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم؟

### اجتناب از نوشیدن شراب

یکی فصل گفته است در باب می‌که سوزان‌تر از آتش است آب می

(شمس‌الدین کاشانی: ۳۵۰۷)

نیاید پسندیده از مرد مست      نه رفتار پای و نه کردار دست  
همی باز دارد زبان را ز ذکر بر آن      سان که روح و روان را ز فکر

(همان: ۱۰ - ۳۵۰۹)

قرآن از شراب نوشیدن به عنوان گناهی بزرگ یاد می‌کند و صراحتاً از انجام آن منع می‌کند:  
«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (سوره بقره: آیه ۲۱۹)

برگردان فارسی: درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم دربر دارد، (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است.  
«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...» (سوره نساء: آیه ۴۳)



برگردان فارسی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوئید....

### برگشتن مکر به فرد مکار

کسی را که یاور بود کردگار  
بر او مکر دشمن نیاید به کار  
(شمس‌الدین کاشانی: ۱۴۰۶)

ولیکن همان کس که مکار بود  
به فعل بد خود گرفتار بود  
(همان: ۱۴۴۳)

خداوند در قرآن می‌فرماید کسی که به دنبال مکر و نیرنگ باشد، آن مکر و نیرنگ به خودش برمی‌گردد:

«... اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكَرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (سوره فاطر: آیه ۴۳)  
برگردان فارسی: اینها همه به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد.

همچنین در سوره آل عمران آیه ۵۴ می‌فرماید:

«وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»

برگردان فارسی: (یهود و دشمنان مسیح) مکر نمودند و خدا هم (بر حفظ او و آیینش) چاره جویی کرد و خداوند بهترین چاره جویان است.

ابیات بالا مبین این موضوع هستند که اگر خدا یاور کسی باشد هیچ گزندی به او نمی‌رسد و هرکسی که مکر و حيله‌ای به کار بگیرد، گرفتار همان مکر و حيله می‌شود.

### گوش نکردن به سخن چین

تو را گوش سوی سخن چین مباد  
وگر نه چو سنگون دهی سر به باد  
(شمس‌الدین کاشانی: ۱۴۵۸)

قرآن صراحتاً در سوره قلم پیروی از فرد سخن چین را منع کرده است:

«هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ» (سوره قلم: آیه ۱۱)

برگردان فارسی: از کسانی که بسیار عیب‌جو و سخن چین هستند پیروی مکن.

### کافی بودن خداوند

ندانست کو را خدا یاور است      که از لشکر و زور و زر بهتر است

(شمس‌الدین کاشانی: ۱۵۰۶)

چو سر سبزت داردت یزدان پاک      تو را از سیاهی دشمن چه باک  
یکی کس که با او بود کردگار      نباید که اندیشه از صد هزار

(همان: ۴۶ - ۱۸۴۵)

در قرآن آیات متعددی اشاره به یاور بودن خداوند دارد. خداوند یاور هرکسی که باشد، برایش

بس است: «بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ» (سوره آل عمران: آیه ۱۵۰)

برگردان فارسی: بلکه خدا یار و سرپرست شماست و او بهترین یاری دهندگان است.

«... وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَرِعْمَ الْوَكِيْلُ» (همان: آیه ۱۷۳)

برگردان فارسی: خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.

### دست خدا بالای هر دستی است

ز کردار بد گر بترسی رواست      که بالای دست تو دست خداست

(شمس‌الدین کاشانی: ۱۹۱۷)

منظور از دست، قدرت است. قرآن یادآور میشود که هیچ قدرت و نیرویی بالاتر از قدرت و

نیروی خدا نیست و به نظر می‌رسد که مصراع دوم این بیت برگرفته از آیه ۱۱ سوره فتح باشد:

«... يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ...» (سوره فتح: آیه ۱۱)

برگردان فارسی: ... دست خداست که بالای دست آنهاست....

## نادان بودن کسی که خدا را انکار کند

هر آن کس که بر کارش انکار کرد به نادانی خویش اقرار کرد

(شمس‌الدین کاشانی: ۱۹۳۵)

«بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَا تِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (سوره یونس: آیه ۳۹)

برگردان فارسی: (ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند)؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است. پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!

## حرص نخوردن برای دنیا

چو این بود خواهد سرانجام کار اگر بخردی آز گیتی مدار

(شمس‌الدین کاشانی: ۲۳۱۳)

در قرآن یکی از ویژگی‌های انسان حریص بودن نسبت به مال دنیا است که خداوند این ویژگی را مورد نکوهش قرار داده است:

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (سوره همزه: آیات ۲ - ۱)

برگردان فارسی: وای بر هر عیبجوی هرزه زبان. همان کسی که مالی جمع کرده و دایم به حساب و شماره‌اش سرگرم است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (سوره معارج: آیه ۱۹)

برگردان فارسی: که انسان مخلوقی طبعاً سخت حریص و بی‌صبر است.

«وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا» (سوره بقره: ۹۶)

برگردان فارسی: و بر تو (و بر همه) پیداست که یهود به حیات مادی حریص‌تر از همه خلق‌اند، حتی از مشرکان.

## سرپیچی نکردن از خدا

هر آن‌کس که دارد سر زندگی

نباید که بیچد سر از بندگی

(شمس‌الدین کاشانی: ۲۶۶۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتَّبِعُوا حَيْثُ شِئْتُمْ» (سوره انفال: آیه ۲۰)

برگردان فارسی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول را اطاعت کنید و از او سرنیچید در حالی که شما (سخنان حق را) می‌شنوید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ

إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (سوره نساء: آیه ۵۹)

برگردان فارسی: ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود.

## تنها بودن هنگام مرگ

از این بار بی لشکر و رهنما

سفر کرد خواهیم ز پیش شما

(شمس‌الدین کاشانی: ۳۳۹۵)

«وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فَرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ

شُفَعَاءَكُمْ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» (سوره انعام: آیه ۹۴)

برگردان فارسی: و محققاً شما یکایک به سوی ما باز آمدید آن گونه که اول بار شما را بیافریدیم و آنچه را که (از مال و جاه) به شما داده بودیم همه را پشت سر وانهادید و آن شفیعیان را که به خیال باطل شریک ما در خود می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم! همانا میان شما و آنان جدایی افتاد و آنچه (شفیع خود) می‌پنداشتید از دست شما رفت.

## اهمیت آموزش تیراندازی و شنا و سوارکاری به فرزندان

بگویند تا علم تیر و کمان همان علم کشتی و اسب و سنان

(شمس‌الدین کاشانی: ۳۵۱۸)

بیت فوق اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم(ص) دارد که می‌فرمایند به فرزندان خود تیراندازی، شنا و اسب سواری آموزش دهید.

## کوثر و طوبی

که کوثر گوار است انهار او که طوبی نژاد است اشجار او

(همان: ۹۱۷۳)

بیت بالا در وصف آغاز فصل بهار در مُلک سلطان خلد ملکه است که انهار و اشجار آن به کوثر و طوبی تشبیه شده‌اند. به اعتقاد علامه طباطبایی کوثر به دو معنی است: ۱. خیر کثیر ۲. نهری در بهشت و «طوبی درختی است در بهشت که ریشه اش در منزل رسول خدا می‌باشد و در خانه هر یک از مؤمنین شاخه‌ای از آن وجود دارد». (طباطبایی، ۱۳۷۰، ۴۸۹)

بنابراین کوثر، نام نهر و طوبی، نام درختی است که جایگاه آن در بهشت است.

## زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی(ع)

هزار آفرین بر شهی کز کرم کند مرده زنده چو عیسی به دم

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۱۹۸)

یکی از معجزات حضرت عیسی، زنده کردن مردگان است:

«... وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ... وَأُخِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (سوره آل عمران: آیه ۴۹)

برگردان فارسی: و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده‌ام... و مردگان را به امر خدا زنده کنم....

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَإِلَدَيْكَ... وَإِذْ تَخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِ...» (سوره مائده: آیه ۱۱۰)

برگردان فارسی: آنگاه که خدا گفت: ای عیسیِ مریم: به خاطر آن نعمتی را که به تو و مادرت عطا کردم... و آنگاه که مردگان را به امر من (از قبر) بیرون می‌آوردی....

### حضرت سلیمان (ع)

سلیمان که بُد مهتر انبیا      ورا بود هم آصف برخیا

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۲۴۷)

حضرت سلیمان فرزند حضرت داوود است که خداوند به او مقام نبوت را اعطا نمود و همچنین جن و باد را برای او مسخر کرد. خداوند زبان حیوانات و پرندگان را به حضرت سلیمان آموخت. نام وی در قرآن هفده بار در سوره‌های مختلف آمده است:

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (سوره انعام: آیه ۸۴)

برگردان فارسی: و ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را به راه راست بداشتیم و نوح را پیش از ابراهیم و فرزندانش داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت نمودیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

«وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (سوره ص: آیه ۳۰)

و به داود سلیمان را بخشیدم که نیک بنده ای است و بسیار به سوی خدا توبه می کند.

«وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ...» (سوره نمل: آیه ۱۶)

برگردان فارسی: و سلیمان وارث (ملک) داود شد (و مقام سلطنت و خلافت یافت).

**خداوند هر که را بخواهد بی حساب می‌بخشد**

کسی را که یزدان نوازش کند      به هر دانشی بی‌نیازش کند

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۲۷۰)

بیت فوق بیانگر این موضوع است که خداوند به هرکس که بخواهد، دانش عطا می‌کند. این دانش می‌تواند نوعی رزق و روزی باشد. این بیت می‌تواند برگرفته از آیه زیر باشد:

«... إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره آل عمران: آیه ۳۷)

برگردان فارسی: ... خداوند به هرکس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.

علاوه بر این خداوند به پیامبرانش علوم و حکمت‌های مختلفی را اعطا نموده است. این نکته به این معنی است که خداوند به هرکسی که بخواهد علم و حکمت می‌دهد.

«عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا، إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم بَيْنَ يَدَيْهِ وَيَمْنُ خَلْفَهُ رَصَدًا» (سوره جن: آیات ۲۷ - ۲۶)

برگردان فارسی: او دانای غیب عالم است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند. مگر آن کس را که به پیامبری برگزیده است که فرشتگان را از پیش رو و پشت سر او می‌فرستد (تا اسرار وحی را شیاطین به سرقت گوش نریابند).

در آیه زیر خداوند علم و دانشی را به حضرت سلیمان اعطا کرده است که بتواند زبان مرغان را بفهمد:

«... وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِّمْنَا مَنَطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (سوره نمل: آیه ۱۶)

برگردان فارسی: و گفت: ای مردم، ما را زبان مرغان آموختند و از هرگونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش آشکار است.

در سوره یوسف آیه ۶ بعد از آنکه حضرت یوسف (ع) خوابش را برای پدرش حضرت یعقوب (ع) تعریف می‌کند، این چنین آمده است:

«وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

برگردان فارسی: و این (تعبیر خواب تو) چنین است که خدا تو را برگزیند و از علم تأویل خواب‌ها بیاموزد و نعمت و لطفش را در حق تو و آل یعقوب مانند پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام

گرداند، که خدای تو دانا و حکیم است. در آیه ۳۷ همین سوره، حضرت یوسف(ع) علم تعبیر خواب خود را علمی می‌داند که خداوند به وی آموخته است.

«قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»

برگردان فارسی: یوسف در پاسخ آنها گفت: من شما را پیش از آنکه طعام آید و تناول کنید به تعبیر خوابتان آگاه می‌سازم، که این علم از چیزهایی است که خدای به من آموخته است، زیرا که من آیین گروهی را که به خدا بی‌ایمان و به آخرت کافرند ترک گفتم.

و یا در همان سوره، آیه ۶۸ خداوند در مورد حضرت یوسف(ع) می‌فرماید:

«... وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

برگردان فارسی: ... و او بسیار دانشمند بود، زیرا ما او را (به وحی خود) علم آموختیم و لیکن اکثر مردم نمی‌دانند.

در سورهٔ علق آیات ۴ و ۵ خداوند می‌فرماید:

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» و «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»

برگردان فارسی: آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت، به آدمی آنچه را که نمی‌دانست تعلیم داد.

## علم لدنی

به خاصه محمد علیه السلام

که او داشت علم لدنی تمام

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۳۳۸)

لدنی بود علم پیغمبران که

تحصیل را نیست مدخل در آن

(همان: ۹۳۹۹)

نبی را بُد از علم کسبی ملال

که بودش ز علم لدنی کمال

(همان: ۹۴۰۹)



علم لدنی، علمی است که بدون تعلیم و تربیت به دست آمده باشد. «علم لدنی دست انسان را در دست جهان غیب می‌گذارد و حجاب و غطا را از پیش چشمان آدمی بر می‌دارد. حالت شهود، وقتی به دست می‌آید که حق بر قلب عارف بتابد و نور آن، سرپای جان آدمی را فراگیرد.» (کریمی، ۱۳۹۱: ۷)

پیامبران خدا، به ویژه پیامبر خاتم(ص) دارای علم لدنی بودند. حضرت جبرئیل در حالتی بر پیامبر اکرم(ص) ظاهر شدند و به او فرمودند بخوان که پیامبر امی بود:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (سوره علق: آیه ۱)

برگردان فارسی: (ای رسول گرامی برخیز و قرآن را) به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است (بر خلق) قرائت کن.

در سوره کهف، آیه ۶۵ خداوند در مورد حضرت خضر(ع) می‌فرماید:

«... وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»

برگردان فارسی: و هم از نزد خود وی را علم (لدنی و اسرار غیب الهی) آموختیم.

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره بقره: آیه ۳۱)

برگردان فارسی: و خدا همه اسما را به آدم یاد داد، آنگاه حقایق آن اسما را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود: اسما اینان را بیان کنید، اگر شما در دعوی خود صادقید.

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ...» (سوره

بقره: آیه ۲۵۱)

برگردان فارسی: پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داوود (علیه السلام) امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه می‌خواست بدو بیاموخت.

### دستگیر بودن خداوند

چو در زندگی نیست از وی گزیر      پس از مرگ هم او بود دستگیر

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۳۴۷)

در بیت بالا احتمالاً منظور از دستگیر بودن، شفاعت خداوند بر بندگانش در روز قیامت است. روزی که هیچ کس به کار نمی‌آید و هیچ کس بدون اذن خداوند مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد:

«... مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (سوره سجده: آیه ۴)

برگردان فارسی: شما را غیر او هیچ یار و یاور و شفیع و مددکاری نیست، آیا تذکر نمی‌یابید؟

«أَقِلْ لِي الشَّفَاعَةَ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (سوره زمر: آیه ۴۴)

برگردان فارسی: شفاعت همه خلقتان با خداست، که سلطان ملک آسمان‌ها و زمین است و

پس از مرگ و فنا بازگشت همه شما به سوی اوست.

«... مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...» (سوره بقره: آیه ۲۵۵)

برگردان فارسی: که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او؟

### امی بودن پیامبر(ص)

که با خط و خواندن نبود آشنا

کز آن بود امی لقب مصطفی

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۳۷۳)

همه عالمان زو فروماندند

اگر چه به امی می‌خواندند

ز کلی نپرداخت با جزویات

به امی بدین مختصر کسبیات

(همان: ۱۲ - ۹۴۱۱)

دلش بود فهرست داندگی...

اگرچه ندانست خوانندگی

نه زان کو بُد واقف از چند چیز

بدین معنی امی خوان‌ای عزیز

(همان: ۱۶ - ۹۴۱۴)

یکی از معجزات پیامبر اکرم(ص) این است که با وجود اینکه امی بود، می‌توانست قرآن را

تلاوت کند که خداوند در قرآن این موضوع را بیان کرده است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ...» (سوره اعراف: آیه ۱۵۷)

برگردان فارسی: همانان که از این فرستاده پیام آور درس نخوانده پیروی می‌کنند....

«... فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (همان: آیه ۱۵۸)

برگردان فارسی: پس باید ایمان به خدا آرید و هم به رسول او پیغمبر امی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته) آن پیغمبری که بس به خدا و سخنان او ایمان دارد، و پیرو او شوید، باشد که هدایت یابید.

## هفت آسمان

خدایی که هفت آسمان آفرید      چهار آخشیح و سه جان آفرید

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۱۳۱)

چنان دان که هفت آسمان و زمین      ندارد وجودی به چشم یقین

(همان: ۹۴۶۹)

می توان چنین گفت که ابیات بالا برگرفته از آیاتی از قرآن هستند که در آنها صراحتاً از هفت آسمان سخن گفته است:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره بقره: آیه ۲۹)

برگردان فارسی: او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد، و پس از آن به خلقت آسمان‌ها نظر گماشت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او به همه چیز داناست. «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (سوره مؤمنون: آیه ۸۶)

برگردان فارسی: باز به آنها بگو: پروردگار آسمان‌های هفتگانه و خداوند عرش بزرگ کیست؟

## آفریدن زمین و آسمان برای انسان به عنوان اشرف مخلوقات

از ایجاد عالم بُد آدم غرض که چون      جوهرست این و آن چون عرض

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۳۳۵)

ندانی که خلقی که در عالم‌اند      همه تابع تخمه آدم‌اند

خدا آفرید آسمان و زمین      برای ظهور نژادی چنین

(همان: ۷۵ - ۹۴۷۴)

خداوند در قرآن می‌فرماید که آسمان و زمین را برای انسان آفریده است و این گونه وی را گرامی داشته است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره اسراء: آیه ۷۰)

برگردان فارسی: و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.

### همه چیز ذکر خداوند را می‌گوید

که داد آسمان و زمین را وجود  
که خالی نیند از رکوع و سجود  
(شمس‌الدین کاشانی: ۹۳۳۴)

که هر چیز کافتد بر او اسم شی  
همیشه کند بی‌زبان ذکر وی  
(همان: ۹۴۹۴)

چو او را همه چیز گوید ثنا  
سزد کادمی نیز گوید ثنا  
(همان: ۹۴۹۶)

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (سوره اسراء: آیه ۴۴)

هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است.

«سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (سوره حدید: آیه ۱)

برگردان فارسی: هر چه در زمین و آسمان است همه به تسبیح و ستایش یکتا خدایی که مقتدر و حکیم است مشغولند.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات: آیه ۵۶)

برگردان فارسی: و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.

### اهمیت راستگویی

سخن راست بهتر بود از دروغ کز این تیرگی خیزد و زان فروغ

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۴۸۴)

خداوند در سوره توبه، آیه ۱۱۹ تأکید بر صداقت دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

برگردان فارسی: ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

### سپاسگزاری کردن از خدا

که می‌داردت او شب و روز پاس

خدا را شب و روز می‌کن سپاس

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۴۹۳)

که گویند شکرش بدین و بدان

هم از نعمت اوست جان و زبان

به احسان او ذکر احسان کند

پس آنگه که او شکر یزدان کند

(همان: ۹۸ - ۹۴۹۷)

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (سوره بقره: آیه ۱۵۲)

برگردان فارسی: پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر نعمت من به جای آرید و کفران

نعمت من نکنید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (سوره بقره:

آیه ۱۷۲)

برگردان فارسی: ای اهل ایمان، روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید و

شکر خدا به جای آرید اگر شما خالص خدا را می‌پرستید.

## وجود عالمی به جز عالم دنیایی

جز این خاکدان عالمی دیگرست که آن از زمین و زمان برتر است

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۵۵۰)

بیت بالا احتمالاً اشاره به عالم بهشت دارد. خداوند در قرآن این گونه از بهشت می‌گوید:

«... وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (سوره آل عمران: آیه ۱۳۳)

برگردان فارسی: و بهشتی که وسعت آن آسمان‌ها و زمین است، و برای پرهیزکاران آماده شده است.

«فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ، وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ، وَظِلِّ مَمْدُودٍ، وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ، وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ» (سوره واقعه،

آیات ۳۲-۲۸)

برگردان فارسی: در [زیر] درختان کنار بی خار، و درخت‌های موز که میوه اش خوشه خوشه

روی هم چیده است، و سایه‌ای پایدار، و آبی ریزان، و میوه‌ای فراوان.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» (سوره

بروج: آیه ۱۱)

برگردان فارسی: به یقین کسانی که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته انجام دادند برای آنها

بهشت‌هایی است که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است آن است کامیابی بزرگ.

## اهمیت مشورت

که با دوستان در همه کارها سزد گر کنم مشورت بارها

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۶۴۴)

اهمیت مشورت در اسلام به اندازه‌ای است که خداوند به پیامبر خود امر می‌کند که در امور

جنگ و... با دیگران مشورت کند:

«... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (سوره آل عمران: آیه ۱۵۹)

برگردان فارسی:... در کار (جنگ) با آنها مشورت نما...

## سؤال پرسیدن در قیامت در مورد اعمال

اگر موری آزرده گردد به راه      بپرسند روز قیامت ز شاه

(شمس‌الدین کاشانی: ۹۶۷۱)

بر طبق آیات و روایات در روز قیامت از کوچکترین اعمال پرسش می‌شود. می‌توان گفت بیت فوق اشاره به آیات زیر دارد:

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره حجر: آیات ۳ - ۹۲)

برگردان فارسی: قسم به خدای تو که از همه آنها سخت مؤاخذه خواهیم کرد، از آنچه می‌کرده‌اند.

### نتیجه

تلمیح به عنوان یکی از عناصر زیبایی‌شناسی در ادبیات فارسی است. بعد از ورود اسلام به ایران شاعران بسیاری از آیات و روایات و داستان‌های اسلامی در آثار خود استفاده کرده‌اند. یکی از این شاعران شمس‌الدین کاشانی شاعر عصر مغول است که این گونه تلمیحات دینی - اسلامی در اثر وی به وفور یافت می‌شود. این تلمیحات اشاره به آیات و روایات و داستان‌های مشهور دینی دارد. این اشارات گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم و ضمنی بیان شده‌اند. در این پژوهش تلمیحات دینی - اسلامی مورد توجه بود که به شرح آنها پرداختیم. شمس کاشی با بهره‌گیری از آیات و روایات به بیان شخصیت‌ها، صفات و ویژگی‌های مردمان عصر مغول پرداخته است.

## منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

قرآن کریم

دهخدا، علی‌اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.

شمیسا، سیروس. فرهنگ تلمیحات. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۵

\_\_\_\_\_ نگاهی تازه به بدیع. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۱.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: بنیاد علمی و فکری علامه

طباطبایی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

فشارکی، محمّد. بدیع. تهران: انتشارات نیل، ۱۳۷۴

کاشانی، شمس‌الدین. شهنامه چنگیزی، تصحیح وحید فنبری نینز. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری

انتشارات سخن، ۱۳۹۸.

وحیدیان‌کامیار، تقی. بدیع از دیدگاه زیباشناسی. تهران: انتشارات دوستان، ۱۳۷۹.

همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: انتشارات هما، ۱۳۶۵.

## مقالات:

خاکپور، محمد. «پژوهشی در تلمیحات شعر صائب و تصرفات وی در آن». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و

نثر فارسی، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۹۲-۷۵، ۱۳۹۶.

صباغی، علی؛ حیدری، حسن. «تلمیح، از سرقت ادبی تا صنعت ادبی: بررسی تلمیح در منابع بلاغی». فنون ادبی،

سال ۹، شماره ۳، صص ۱۲-۱، ۱۳۹۶.

کریمی، عبدالعظیم. «علم ناآموخته». مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال ۸، شماره ۲۸، صص ۱۵۱-۱۰۹،

۱۳۹۱.

نوروزی، رضا؛ دوست محمدی، میثم؛ محمدنژاد ولامدهی، ولی‌الله. «تبیین و تحلیل حقیقت حوض کوثر و

سرچشمه‌های آن». فصلنامه معرفت کلامی، سال ۱۲، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، صص ۱۸۴-۱۶۷، ۱۴۰۰.



نوری، علی؛ گلچین، حسین. «بررسی جایگاه و اهداف ورزش در آموزه‌های دینی». اولین همایش ملی علوم ورزشی نوین، ورزش حرفه‌ای و ارتقا تندرستی، ۱۳۹۴.

## The survey of internal music and repetition in the poems of Maulana Mohammad Baqir Khorde

Seyyed Mohsen Jamalizadeh<sup>1</sup>, Khorshid Ghanbari Neniz<sup>2\*</sup>,  
Majid Hajizadeh<sup>3</sup>

### Abstract

Poetry is the transmission of experience through the presentation of unexpected methods. Composition of phrases is one of the highlighting methods. Maulana Mohammad Baqer Khorde is one of the prominent poets of the Safavid era. He is one of the phrase composer poets. Various musical effects are seen in the poetic compositions. Music is one of the building elements of poetry, which is divided into three categories. External music (prosodic aspect of poetry), side music (epistrophe and rhyme), internal music (types of balances resulting from verbal communication and semantic proportions). In this article, an attempt has been made to examine the poetic phrase compositions of the Diwan manuscript of Maulana Mohammad Baqer Khorde Kashani's poetry from the perspective of inner music. The obtained results show that he used internal music to create a kind of unity in The axis of companionship and succession in poetry. In addition to the appropriateness, beauty and effect of the words, the linguistic richness of the poem and the semantic load of the compositions are also added. He has shown that he has achieved the ultimate goal of poetry, which is to express the meaning and inner meaning of poetry, by observing the appropriateness and connection between music and poetry with other elements.

**Keyword:** aulana Mohammad Baqer Kashani, manuscript, aesthetics, inner music.

- 
1. PhD student of Persian language and literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran  
Email: m.uv1990@yahoo.com
  2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran (Author)  
Email: kh.ghanbari18@yahoo.com
  3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran  
Email: m.hajizadeh@iauk.ac.ir